

فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه ی اصلی وب سایت مجله:
www.jqe.scu.ac.ir
شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷
شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در ایران

فاتح حبیبی *، زانکو قربانی**، زانا مظفری***

* دانشیار، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم‌انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
** کارشناسی‌ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم‌انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
*** استادیار، گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم‌انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسندهٔ مسئول).

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت:
تاریخ بازنگری:
تاریخ پذیرش:

طبقه‌بندی JEL: F52; E52; E62

واژگان کلیدی:
امنیت اقتصادی، سیاست پولی، سیاست مالی

ارتباط با نویسنده مسئول:
آدرس پستی: کردستان، سنندج، بلوار پارسدارن، دانشگاه کردستان
ایمیل: z.mozaffari@uok.ac.ir
0000-0002-7302-5650

قدردانی: از تمامی افراد و مؤسساتی که در انجام این تحقیق مؤلف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که کشورهای درحال‌توسعه بایستی درصدد تأمین آن تلاش کنند، امنیت اقتصادی است. زیرا وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه می‌تواند در راستای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی مؤثر باشد. از طرفی، اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب در جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار بسیار حائز اهمیت است. درواقع، ابزارهای سیاست‌های پولی و مالی از طریق اثرگذاری بر نرخ رشد اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصاد می‌توانند بر امنیت اقتصادی جامعه نیز اثرگذار باشند. ازاین‌رو، این مطالعه به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ و با استفاده از روش خودرگرسیون برداری ساختاری پرداخته است. حجم نقدینگی و مخارج دولت به ترتیب نماد سیاست‌های پولی و مالی در این مطالعه هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تکانه‌های سیاست پولی و سیاست مالی، هردو تأثیر منفی و معنی‌دار بر امنیت

اقتصادی دارند و در بلندمدت منجر به کاهش آن می‌شوند. متغیرهای صنعتی شدن، شهرنشینی، آزادی تجاری و بیکاری نیز تاثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارند و منجر به افزایش آن خواهند شد. نتایج تجزیه واریانس در دوره دهم نشان می‌دهد که شوک‌های سیاست پولی ۳۵/۲۷ درصد و شوک‌های سیاست مالی ۳۹/۱۴ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهند.

ارجاع به مقاله:
حبیبی، فاتح.، قربانی، زانکو.، مظفری، زانا. (۱۴۰۳). تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در ایران. *فصلنامهٔ اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره(شماره), ص-ص.
10.22055/jqe.2019.26401.1899

© 2025 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که دولت‌ها بایستی جهت دستیابی به سطح بالایی از آن تلاش کنند، امنیت اقتصادی[1] است. زیرا امنیت ملی جوامع در گرو امنیت اقتصادی قرار دارد (Ezzati et al, 2019; ;Rickards, 2009; Ronis, 2011; Khan & Akbar, 2013). درواقع، منظور از امنیت اقتصادی در یک جامعه وضعیتی است که افراد بدون نگرانی از نوسانات اقتصادی، تورم بالا و بیکاری نیازهای خود را تأمین کنند و از درآمدی مناسب، امکانات آموزشی و بهداشتی باکیفیت و امنیت شغلی برخوردار باشند (Ronis, 2011). جامعه‌ای که در آن سطح امنیت اقتصادی بالا باشد، دچار بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان، نوسانات قیمت، نوسانات نرخ ارز، بحران‌های بانکی و مالی، تورم، بیکاری و کاهش رشد اقتصادی نمی‌شود (Ricards, 2009; Ronis, 2011). امنیت اقتصادی عامل مهمی در راهبرد سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شود. زیرا پایین‌بودن آن به بی‌ثباتی اقتصادی، ناامنی در سطح اقتصاد کلان، افزایش نااطمینانی‌ها و تورم منجر خواهد شد؛ بنابراین، مسئله تأمین امنیت اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار بسیار حائز اهمیت است (Ezzati et al, 2019; Sadeghi Amrabadi, 2020)

از سوی دیگر، سیاست مالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت-ها می‌تواند منجر به حفظ و تأمین امنیت اقتصادی در یک جامعه شود. زیرا دولت‌ها با استفاده صحیح از ابزارهای سیاست مالی می‌توانند با ایجاد توازن بین درآمدها و هزینه‌ها از ایجاد کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی جلوگیری کنند تا امنیت اقتصادی کشور دچار مشکل نشود. به‌نحوی‌که مدیریت صحیح مالیات، بدهی‌ها و سیاست‌های هزینه عمومی علاوه بر اثرگذاری بر نرخ تورم و توازن مالی، به افزایش نرخ رشد اقتصادی منتهی خواهد شد که درنهایت سطح امنیت اقتصادی کشور افزایش می‌یابد (Wang et al, 2023). مخارج دولت به‌عنوان ابزار مهم سیاست مالی بر نرخ بهره، تورم، نوسانات بازار سهام و اوراق بهادار، بیکاری و رشد اقتصادی اثرگذار است. ازاین‌رو مخارج دولت از طریق اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی، بر امنیت اقتصادی جامعه نیز اثرگذار خواهد بود (Younsi, Nafla & 2019). همچنین، مالیات به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت، در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و ثبات اجتماعی کشورها بسیار حائز اهمیت است (Azami et al, 2024)

[1] *Economic Security*

سیاست‌های پولی نیز از طریق تغییرات نرخ تورم، تنظیم نرخ بهره، تنظیم پول در گردش، تعادل نرخ ارز و کنترل نوسانات بازار منجر به ثبات و حفظ امنیت اقتصادی جامعه می‌شود. زیرا این سیاست‌ها بر متغیرهای کلان اقتصاد مانند: سرمایه‌گذاری، مصرف، صادرات و واردات اثرگذار هستند و منجر به افزایش نرخ رشد اقتصادی می‌شوند که از این طریق بر امنیت اقتصادی جامعه نیز اثرگذار خواهند بود (Younsi, 2019; Idris, 2019 & Nafla)؛ ازاین‌رو، ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی منجر به افزایش سطح رفاه افراد، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا و درنهایت برقراری امنیت اقتصادی در کشور می-شود (Chugunov et al, 2021).

بر اساس آماری که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده، نرخ رشد نقدینگی در دهه ۱۳۹۰، بالای ۲۰ درصد اعلام شده که در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹ به حدود ٤٠ درصد رسیده است. همچنین، متوسط نرخ رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ معادل ۳۳ درصد گزارش شده و حجم پول نیز در سال ۱٤۰۱ به مقدار ۱۵٤۵ هزار میلیارد تومان رسیده که این آمار و ارقام حاکی از افزایش چشمگیر آن نسبت به دهه ۱۳۸۰ است. علاوه بر این، مخارج دولت در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹ که مقدار ۳۷/۸ درصد از درآمدها اعلام شده با یک رشد چشمگیر به مقدار ۵۵/۳ درصد افزایش‌یافته است. مخارج دولت در سال ۱۴۰۱، مقدار ۱۳/۷۰۰ هزار میلیارد تومان، رشد مخارج دولت ۳۴/۵ درصد و سهم مخارج دولت از تولیدناخالص داخلی نیز ۳۵/۴ درصد بوده است (Central Bank of the Islamic Republic of Iran, 2023)

باتوجه‌به توضیحاتی که ارائه شد، می‌توان بیان کرد که تأمین امنیت اقتصادی یک جامعه جزو یکی از مسائل مهم جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. ازآنجایی‌که سیاست‌های پولی و مالی نیز بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذاری بالایی دارند، می‌توانند امنیت اقتصادی یک جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار دهند. ازاین‌رو مطالعه حاضر به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ و با استفاده از روش خودرگرسیون برداری ساختاری می‌پردازد. بنابراین، اهداف و فرضیه‌های اصلی پژوهش نیز به صورت زیر ارائه می‌شود:

- سیاست‌های پولی تأثیر منفی بر امنیت اقتصادی در ایران دارند و منجر به کاهش آن می‌شود.
- سیاست‌های مالی تأثیر منفی بر امنیت اقتصادی در ایران دارند و منجر به کاهش آن می‌شود.

در بخش چهارم مقاله مدل و روش تحقیق تصریح گردیده است. بخش پنجم مقاله یافته‌ها و نتایج تخمین ارائه شده است. در بخش ششم مقاله جمع‌بندی کلی و توصیه‌های سیاستي ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

از دیدگاه رابرت ماندل، امنیت اقتصادی درواقع میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی افراد جامعه از راه تأمین کالا و خدمات از طریق تولیدات داخلی و تجارت بین‌الملل تلقی می‌شود (Mosavi Zonoz, 2014; Sadeghi Amrabadi, 2020). کشوری که از لحاظ امنیت اقتصادی وضعیت مطلوبی دارد، نهادهای مالی آن کارآمدتر، وضعیت قضایی و اداری آن مناسب‌تر و سیاست‌گذاری‌های دولت نیز باثبات‌تر است. همچنین، سطح سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نبود ریسک‌ها در اقتصاد بالاتر است. علاوه‌برآن درجه بازبودن تجاری نیز وضعیت مطلوب‌تری دارد (Mosavi Zonoz, 2014; Sadeghi Amrabadi, 2020; Sadeghi Soghdel et al, 2015)؛ بنابراین، دولت‌ها در کشورهای درحال‌توسعه بایستی سیاست‌های اقتصادی را به نحوی اتخاذ و اجرا کنند که به ثبات و پایداری متغیرهای کلان اقتصادی منجر شود تا سطح امنیت اقتصادی نیز ارتقا یابد (Kazakova, 2016). عوامل مختلفی بر امنیت اقتصادی یک جامعه اثرگذار هستند که به‌اختصار به‌صورت زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

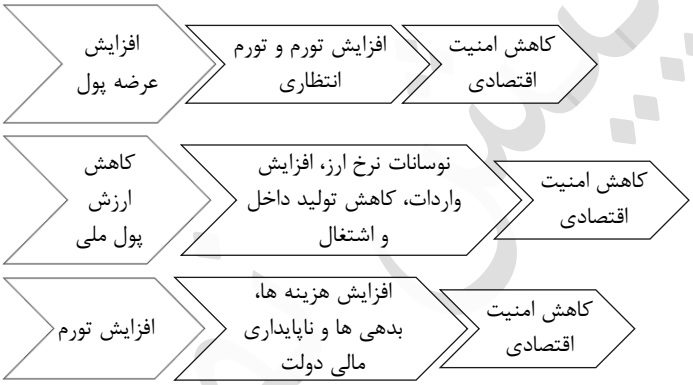
- **آزادی تجاری:** افزایش فعالیت‌های تجاری در یک کشور منجر به رونق تولید داخل، افزایش صادرات و نرخ رشد اقتصادی بالا می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی جامعه نیز ارتقا می‌یابد (Ezzati et al, 2019; Rasuli & Farzinvash, 2015)
- **شهرنشینی:** افزایش روند شهرنشینی می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های زندگی و فشار بر زیرساخت‌های شهری شود که اگر به‌درستی مدیریت نشود، به کاهش امنیت اقتصادی در جامعه منجر خواهد شد. زیرا با افزایش روند شهرنشینی به دلیل هزینه‌های بالای مسکن، غذا و حمل‌ونقل ممکن است امنیت اقتصادی جامعه کاهش یابد (Gilbert, 2000).
- **صنعتی‌شدن:** در طول فرایند صنعتی‌شدن، علاوه بر افزایش تولیدات داخلی، نوآوری و بهره‌وری نیز رشد می‌کند که منجر به افزایش نرخ رشد اقتصادی خواهد شد و از این طریق فرایند صنعتی‌شدن بر امنیت اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارد (Ivanovna, 2017; Uzoigwe, 2024)

- **بیکاری:** نرخ بالای بیکاری می‌تواند به کاهش تقاضا، رکود اقتصادی، افزایش فقر و نابرابری اجتماعی منجر شود که به کاهش امنیت اقتصادی منتهی می‌شود (Petrova & Filipov, 2018). از طرفی، در کوتاه‌مدت اگر نرخ بیکاری بالا باشد، کارفرمایان قدرت چانه‌زنی بیشتری در قبال نیروی کار دارند و می‌توانند دستمزدها را به نفع خود پایین نگه دارند. درنهایت هزینه‌های تولید کاهش‌یافته و سودآوری کسب‌وکارها بیشتر می‌شود. در این راستا، رقابت‌پذیری شرکت‌ها در بازارهای داخلی و خارجی نیز افزایش می‌یابد و منجر به افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و در نهایت رشد اقتصادی کشور می‌شود. درنهایت نرخ بالای بیکاری در کوتاه‌مدت از این طریق بر امنیت اقتصادی اثرگذاری مثبتی دارد (Snowdon & Vane, 2005; Lorentzen, 2014; Petrova & Filipov, 2018)

کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی انبساطی بر امنیت اقتصادی: یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها در جهت تحریک رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و کنترل تورم است (International Monetary Fund, 2020). دولت با استفاده از مقدار پول در گردش می‌تواند از طریق بازرگانی، تولید و مصرف خانوارها بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار باشد؛ بنابراین، اتخاذ به جا و مناسب سیاست‌های پولی و مالی منجر به رشد اقتصادی و به‌تبع برقراری امنیت اقتصادی می‌شوند (Wang et al, 2023). به‌نحوی‌که بر اساس تئوری کمیت پول، افزایش عرضه پول به‌صورت مستقیم می‌تواند منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود که درنهایت به کاهش امنیت اقتصادی منجر خواهد شد (Snodown & vane, 2005; Fridman, 1989; Jung, 2024). بر اساس منحنی فیلیپس، سیاست پولی انبساطی در کوتاه‌مدت با افزایش تقاضا می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش امنیت اقتصادی منجر شود. اما در بلندمدت با افزایش نرخ تورم، امنیت اقتصادی کاهش می‌یابد (Snodown & vane, 2005; Lucas & Rapping, 1969; McLeay & Tenreyro, 2020). همچنین، زمانی که مردم انتظار افزایش تورم را بر اساس سیاست پولی انبساطی اتخاذ شده داشته باشند، سرعت خرج‌کردن پولشان را بالا برده و منجر به افزایش فشارهای تورمی و به‌تبع کاهش سطح امنیت اقتصادی جامعه خواهند شد (Snodown & vane, 2005; Lucas & Rapping, 1969).

سیاست پولی انبساطی با کاهش ارزش پول ملی و نوسانات نرخ ارز، می‌تواند منجر به افزایش واردات شود. ازاین‌رو، تولیدات داخل و اشتغال نیز کاهش می‌یابد که در نهایت منجر به کاهش سطح امنیت اقتصادی جامعه خواهد شد (Snodown & vane, 2005;

(Dornbusch, 1979; Gürkaynak et al, 2021). در نتیجه سیاست پولی انبساطی و به‌تبع افزایش تورم، هزینه‌ها و بدهی‌های دولت نیز افزایش‌یافته که درنهایت به ناپایداری مالی دولت منجر خواهد شد؛ بنابراین، امنیت اقتصادی کشور نیز کاهش می‌یابد (Snodown & vane, 2005; Leeper et al, 2021). در این راستا شکل ۱. کانال های اثرگذاری سیاست پولی انبساطی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظرینحوه اثرگذاری سیاست پولی انبساطی بر امنیت اقتصادی را بر اساس مبانی نظری مطرح شده نشان می-دهد:

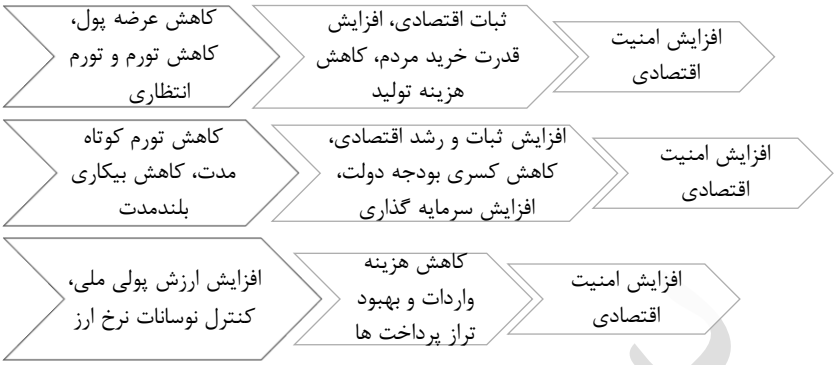


شکل ۱. کانال های اثرگذاری سیاست پولی انبساطی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظری
Figure 1. Channels of effect of expansionary monetary policy on economic security
Sourse: Theoretical foundations

کانال‌های اثرگذاری سیاست پولی انقباضی بر امنیت اقتصادی: پس از بحران و رکود اقتصادی بزرگ، اهمیت مدیریت اقتصاد توسط دولت در قالب اقتصاد کینزی به یکی از مسائل مهم روز در اقتصاد کلان مبدل شد (Ashrafganjoee et al, 2024). از طرفی، ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی دیگری که در جهت کنترل تورم و کاهش تقاضای کل در اقتصاد اتخاذ می‌شود. این سیاست از طریق کاهش حجم پول در گردش، افزایش نرخ بهره و محدودکردن اعتبارات بانکی بر اقتصاد یک کشور تأثیر می‌گذارد (International Monetary Fund, 2020). تئوری کمیت پول بیان می‌کند که سیاست پولی انقباضی با کاهش عرضه پول می‌تواند منجر به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه کنترل تورم شود. کنترل تورم نیز منجر به ثبات اقتصادی، افزایش قدرت خرید مردم و کاهش هزینه‌های تولید می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (Snodown & vane, .

(Snodown & vane, 2005; Fridman, 1989; Jung, 2024) به‌علاوه، از طریق منحنی فیلیپس می‌توان اظهار کرد که سیاست پولی انقباضی در کوتاه‌مدت منجر به کاهش تورم و افزایش نرخ بیکاری خواهد شد. اما در بلندمدت با ایجاد ثبات اقتصادی می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار و کاهش بیکاری کمک کند. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه نیز افزایش خواهد یافت (Snodown & vane, 2005; Lucas & Rapping, 1969; McLeay & Tenreyro, 2020)

از طرفی، زمانی که سیاست پولی انقباضی اتخاذ می‌شود سیگنال کاهش تورم به بازار وارد شده و تورم انتظاری نیز کاهش می‌یابد. به‌تبع، با کاهش فشارهای تورمی اطمینان از سرمایه‌گذاری‌ها افزایش‌یافته و رشد اقتصادی نیز بهبود می‌یابد. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه افزایش خواهد یافت (Snodown & vane, 2005; Lucas & Rapping, 1969) . از سوی دیگر، سیاست پولی انقباضی منجر به افزایش ارزش پولی ملی و کنترل نوسانات نرخ ارز می‌شود که درنهایت هزینه‌های واردات کاهش‌یافته و تراز پرداخت‌ها بهبود می‌یابد. ازاین‌رو امنیت اقتصادی کشور بهبود می‌یابد (Snodown & vane, 2005; Dornbusch, 1979; Gürkaynak et al, 2021). همچنین، اتخاذ سیاست پولی انقباضی که منجر به کاهش تورم و به‌تبع کاهش کسری بودجه دولت می‌شود، به پایداری مالی دولت نیز کمک خواهد کرد که درنهایت سطح امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (Snodown & vane, 2005; Leeper et al, 2021). شکل ۲. کانال های اثرگذاری سیاست پولی انقباضی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظرینحوه اثرگذاری سیاست پولی انقباضی بر امنیت اقتصادی را بر اساس مبانی نظری مطرح شده نشان می‌دهد:

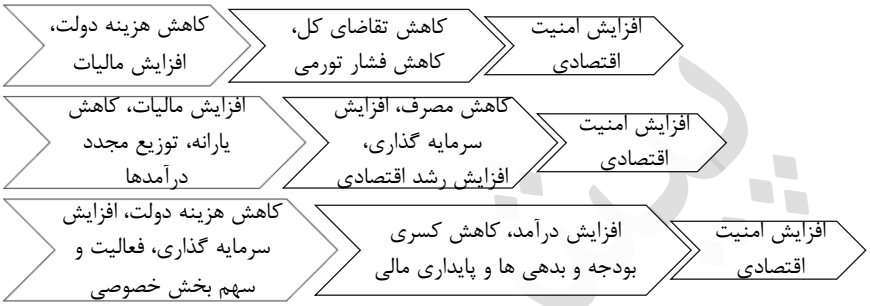


شکل ۲. کانال های اثرگذاری سیاست پولی انقباضی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظری
Figure 2. Effect channels of contractionary monetary policy on economic security
Sourse: Theoretical foundations

کانال‌های اثرگذاری سیاست مالی انقباضی بر امنیت اقتصادی: مجموعه‌ای از اقدامات دولت‌ها محسوب می‌شود که در جهت کاهش هزینه و افزایش درآمدها اتخاذ می‌شود. اهداف سیاست مالی انقباضی معمولاً کاهش کسری بودجه، کنترل تورم و کاهش تقاضای کل در اقتصاد است (World Bank, 2020). با کاهش هزینه‌های دولت و افزایش مالیات‌ها، تقاضای کل در اقتصاد کاهش می‌یابد. این کاهش تقاضا می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (World Bank, 2020; Snodown & vane, 2005; Freitas & Christianes, 2020; Dutt, 2020). همچنین، سیاست مالی انقباضی از طریق افزایش برخی مالیات‌ها و کاهش برخی از یارانه‌ها می‌توانند منجر به توزیع مجدد درآمد در جامعه شود. از طرفی، توزیع مجدد درآمدها نیز مصرف و سرمایه‌گذاری در جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده و منجر به بهبود رشد اقتصادی در کشور می‌شود. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه نیز افزایش خواهد یافت (Cantore & Freund, 2021; Snodown & vane, 2005). سیاست مالی انقباضی با کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها می‌تواند به کاهش کسری بودجه و بدهی‌های دولت کمک کند. از طرفی، کاهش بدهی‌های دولت منجر به پایداری سطح مالی دولت خواهد شد. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه نیز افزایش می‌یابد (Istiqomah & Mafruhah, 2022; Snodown & vane, 2005)

کاهش هزینه‌های دولت درنتیجه اتخاذ سیاست مالی انقباضی، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیت‌ها و در نهایت سهم بخش خصوصی در اقتصاد می‌شود؛ بنابراین،

امنیت اقتصادی جامعه نیز افزایش خواهد یافت (Andabai, 2023; Snodown & vane, 2005). شکل ۳. کانال های اثرگذاری سیاست مالی انقباضی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظرینحوه اثرگذاری سیاست مالی انقباضی بر امنیت اقتصادی را بر اساس مبانی نظری مطرح شده نشان می‌دهد:

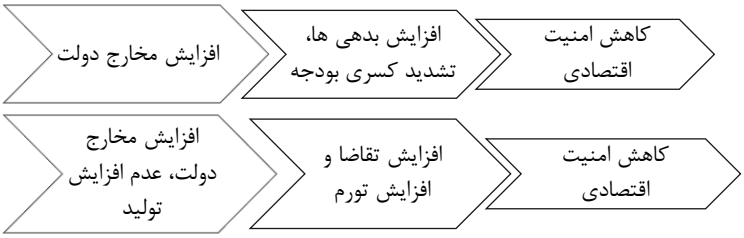


شکل ۳. کانال های اثرگذاری سیاست مالی انقباضی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظری

Figure 3. The channels of contractionary fiscal policy influence on economic security
Sourse: Theoretical foundations

کانال‌های اثرگذاری سیاست مالی انبساطی بر امنیت اقتصادی: مجموعه‌ای از اقدامات دولت‌ها جهت افزایش تقاضای کل در اقتصاد محسوب می‌شود که هدف آن افزایش هزینه‌های دولت، کاهش مالیات‌ها یا ترکیبی از هر دو آن‌ها است (World Bank, 2020). افزایش مخارج دولت در نتیجه اتخاذ سیاست مالی انبساطی می‌تواند منجر به افزایش بدهی‌های دولت و تشدید کسری بودجه شود. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه نیز کاهش خواهد یافت (World Bank, 2020; Freitas & Christianes, 2020). زمانی که مخارج دولت در راستای اتخاذ سیاست مالی انبساطی افزایش می‌یابد، اگر منجر به افزایش تولید نشود با افزایش تقاضایی که به همراه دارد، تورم را افزایش می‌دهد و درنهایت امنیت اقتصادی جامعه کاهش خواهد یافت (International Monetary Fund, 2020; Dao et al, 2023)

شکل ٤. کانال های اثرگذاری سیاست مالی انبساطی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظرینحوه اثرگذاری سیاست مالی انبساطی بر امنیت اقتصادی را بر اساس مبانی نظری مطرح شده نشان می‌دهد:



شکل ۴. کانال های اثرگذاری سیاست مالی انبساطی بر امنیت اقتصادی از نظر مطالعات نظری
Figure 4. Channels of effect of expansionary financial policy on economic security
Sourse: Theoretical foundations

۳- پیشینه پژوهش

باتوجه‌به این مسئله که تاکنون مطالعه‌ای منسجم در ارتباط با تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی صورت نگرفته است، ازاین‌رو نزدیک‌ترین مطالعات داخلی و خارجی که مرتبط با موضوع هستند، ارائه می‌شود.

۳-۱- پیشینه پژوهش داخلی

صیاد زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی تاثیر کسری بودجه بر امنیت اقتصادی در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ و با استفاده از روش خودرگرسیون برداری[۲] پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کسری بودجه تاثیر معنی‌دار و مثبت بر نرخ تورم و تاثیر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. درنهایت کسری بودجه منجر به افزایش تورم و کاهش امنیت اقتصادی می‌شود (Sayadzadeh et al, 2013).

سلمانی بی شک و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود به بررسی اثر درآمد مالیاتی بر امنیت اقتصادی در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ و با استفاده از علیت تودا و یاماموتو پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یک رابطه علی یک طرفه بین درآمدهای مالیاتی به رشداقتصادی و امنیت اقتصادی وجود دارد (Salmani Bishak et al, 2013).

رسولی و فرزین وش (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل سرمایه در ۱۴ کشور درحال‌توسعه و نوظهور طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳

[2] *VAR*

و با استفاده از روش تعمیم‌یافته خطی[3] پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو گروه از کشورها، امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی تأثیر معنی‌دار و مثبت بر تشکیل سرمایه دارد. به‌علاوه، امنیت اقتصادی تأثیرگذاری بیشتری در کشورهای درحال‌توسعه دارد (Rasuli & Farzinvash, 2015).

صادقی عمرو آبادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی ارتباط ثبات اقتصادی با امنیت اقتصادی در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از روش علیت گرنجر و گارچ[4] پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ثبات اقتصادي عامل تعیین‌کننده امنیت اقتصادي است. همچنین ثبات اقتصادي تاثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد (Sadeghi Amrabadi, 2020).

۲-۳- پیشینه پژوهش خارجی

ثاقب و آگروال[5] (۲۰۱۷) در پژوهش خود به بررسی تأثیر سیاست پولی و مالی بر رشد اقتصادی در کشور پاکستان طی سال‌های ۱۹۸٤ تا ۲۰۱٤ و با استفاده از روش هم انباشتگی جوهانسون - جوسلیوس برای رابطه بررسی بلندمدت بین متغیرها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ضریب سیاست پولی بسیار بیشتر از سیاست مالی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است (Saqib & Aggarwal, 2017).

گریشووا و همکاران[6] (۲۰۲۰) در مطالعه خود به بررسی ارزیابی امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی پایدار در ۲۹ کشور اتحادیه اروپا و اوکراین طی سال‌های ۲۰۱٦ تا ۲۰۱۸ و با استفاده از روش‌های همبستگی و خوشه‌ای پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش رشد اقتصادی با افزایش امنیت اقتصادی به همراه است و توسعه پایدار کشورهای مورد پژوهش را تضمین می‌کند (Gryshova et al, 2020).

بلیایوف و همکاران[7] (۲۰۲۱) در مطالعه خود به بررسی ارزیابی وضعیت امنیت اقتصادی با استفاده از شاخص نرخ بیکاری در کشور روسیه طی سال‌های ۱۹۹٤ تا ۲۰۱۹ با استفاده از روش فراکتال[8] پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش نرخ بیکاری منجر به کاهش امنیت اقتصادی می‌شود (Belyaev et al, 2021).

---

[3] EGLS
[4] GARCH
[5] Saqib & Aggarwal
[6] Gryshova et al.
[7] Belyaev et al.
[8] FRACTAL

مین و همکاران[9] (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی تاثیر شوک‌های سیاست‌های پولی و مالی بر سرمایه‌گذاری داخلی در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰٤ تا ۲۰۱۹ و با استفاده از خودرگرسیون برداری آستانه[10] پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شوک مخارج دولت تاثیری بر سرمایه‌گذاری داخلی ندارد و شوک عرضه پول تاثیر مثبت و معنی‌دار بر سرمایه‌گذاری داخلی دارد (Min et al, 2022).

موستنسکا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی یکی از اجزای شاخص امنیت غذایی تحت عنوان مقرون‌به‌صرفه بودن مواد غذایی به‌عنوان جزئی از امنیت اقتصادی در کشور اوکراین طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش درآمد افراد جامعه منجر به کاهش امنیت غذایی و به‌تبع کاهش امنیت اقتصادی می‌شود (Mostenska et al, 2022).

۳-۳- جمع‌بندی ادبیات پژوهش و نوآوری مطالعه حاضر

ازآنجایی‌که شاخص امنیت اقتصادی پیش‌تر در مطالعه Ezzati et al, (2019) برآورد شده است و در این مطالعه نیز داده‌ها به روز رسانی شده‌اند، می‌توان بیان کرد که استفاده از این شاخص در این مطالعه یک نوآوری محسوب می‌شود. زیرا مطالعات قبلی انجام شده تحت عنوان Sayadzadeh et al, (2013) و Salmani Bishak et al, (2013) در زمینه امنیت اقتصادی در ایران، از پراکسی‌های موجود در شاخص امنیت اقتصادی برآورد شده توسط نویسندگان پژوهش را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، موضوع پژوهش حاضر مبنی بر تاثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در ایران نیز از لحاظ موضوعی با مطالعات نام برده شده و مطالعات موجود، تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است و مطالعه حاضر نیز از این حیث دارای نوآوری در موضوع است.

۴- روش‌شناسی تحقیق

برای اولین‌بار اعمال محدودیت‌های نظری بر تأثیرات هم‌زمان شوک‌ها توسط Leeper et al, (1996) و Blanchard & Watson (1986) و Bernanke (1986) توسعه داده شد. مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) سپس توسط Blanchard & Danny (1988) و Clarida & Gali (1994) با اعمال محدودیت‌های نظری بر اثرات بلندمدت

---

[9] *Min et al.*
[10] *TVAR*

شوک‌ها توسعه داده و توابع واکنش آنی را شناسایی شده است. به طور صریح مدل (SVAR) اعمال پارامترهای ساختاری و رویکرد اساسی یک نظریه اقتصادی را مجاز می‌داند (Shahrazi et al ، 2023).

به‌علاوه این مدل دارای یک منطق اقتصادی مبتنی بر تئوری‌های اقتصادی جهت اعمال قیود و محدودیت‌ها است. همچنین شناسایی تکانه‌های ساختاری به‌صورت ضمنی صورت می‌گیرد که یک مزیت نسبت به مدل VAR است (Chatziantoniou et al, 2013). ازاین‌رو از مدل SVAR جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف ناشی از اثرات شوک‌های سیاست مالی و پولی بر امنیت اقتصادی در کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ در پژوهش حاضر استفاده می‌شود. مدل خودرگرسیون برداری ساختاری پژوهش حاضر طبق معادله 1 است.

معادله 1

$$BY_t = \Gamma_0 + \sum_{i=1}^{n} \Gamma_i \, Y_{t-i} + \varepsilon_t$$

در معادله فوق Y_t = (MP, FP, IND, URB, FT, UN, ES) بردار ۱×۷ متغیرها، B ماتریس ۷×۷ همزمان، Γ_0 بردار مقادیر ثابت، Γ_i ماتریس ۷×۷ ضرب خودرگرسیون و n تعداد وقفه‌های بهینه است. از طرفی، ε_t بردار ۱×۷ نوآوری‌های ساختاری و نامرتبط متقابل است. هنگامی که عناصر B^{-1} تخمین زده می‌شوند، می‌توانیم بردار شوک‌های ساختاری را محاسبه کنیم.

درواقع، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در ایران است. جهت رسیدن به این هدف از متغیرهای کنترلی شامل: صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آزادی تجاری و نرخ بیکاری استفاده شده است. برای رسیدن به این هدف متغیرهای پژوهش به صوت برون‌زا در نظر گرفته شده‌اند. به‌نحوی‌که ترتیب متغیرها به‌صورت برون‌زا از سیاست پولی (حجم نقدینگی)، سیاست مالی (مخارج دولت)، صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آزادی تجاری و نرخ بیکاری است و شاخص امنیت اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته در انتها قرار دارد. باتوجه‌به این مسئله که هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی است، ازاین‌رو بررسی تأثیر شوک-های متغیرهای مستقل بر یکدیگر از اهداف این مطالعه نبوده و به همین دلیل از ماتریس پایین مثلثی استفاده شده که تنها تأثیر شوک‌های متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی امینت اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل مابقی درایه‌ها به‌صورت صفر در نظر گرفته شده‌اند. درواقع این صفر به معنی عدم وجود رابطه بین متغیرهای مستقل یا عدم

وجود مبانی نظری در این زمینه نیست؛ بلکه صرفاً به این معنی است که هدف پژوهش صرفاً بررسی تأثیر شوک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. به‌علاوه، الگوی ماتریسی پژوهش حاضر که به‌صورت پایین مثلثی است مشابه سه مطالعه Shahrazi et al (2023)، Chatziantoniou et al (2013) و Chen et al (2016) است.

۱-۴- تصریح مدل و معرفی متغیرهای پژوهش

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در کشور ایران پرداخته است. داده‌های این پژوهش به‌صورت سری زمانی از سال ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ جمع‌آوری‌شده است. تصریح مدل مطالعه حاضر بر اساس شرایط اقتصاد ایران، مطالعات پیشین، مبانی نظری و تا حدودی از مطالعه Wang et al, (2023) الگوبرداری شده است. به‌علاوه، انتخاب متغیرهای پژوهش بر اساس مطالعات قبلی، مبنی بر تأثیرگذاری این متغیرها بر امنیت اقتصادی است. ازاین‌رو نزدیک‌ترین مطالعه‌هایی که در این زمینه وجود دارند و به نحوی تأثیرگذاری متغیرهای پژوهش بر امنیت اقتصادی را نشان می‌دهند، به‌صورت زیر ارائه می‌شود:

در مطالعه Lorentzen et al (2014) از متغیر بیکاری، Digiuseppe (2019) & Kleinberg، Sohn (2019) از متغیرهای تجاری، Gilbert (2000) از متغیر شهرنشینی، Uzoigwe (2024) و Ivanovna (2017) از متغیر صنعتی‌شدن، George et al (2022) از متغیر مخارج دولت و Wang et al (2023) از متغیرهای پولی و مالی در مطالعات خود استفاده کرده‌اند.

بنابراین، الگوی اقتصادسنجی پژوهش حاضر به‌صورت معادله 2 تصریح شده است:

$$ES_t = \beta_0 + \beta_1 MP_t + \beta_2 FP_t + \beta_3 IND_t + \beta_4 URB_t + \beta_5 FT_t + \beta_6 UN_t + \varepsilon_t \quad \text{معادله 2}$$

از مخارج دولت و حجم نقدینگی به ترتیب به‌عنوان ابزار سیاست مالی و سیاست پولی استفاده شده است. متغیرهای پژوهش نیز به‌صورت کامل در جدول (1). معرفی متغیرهای پژوهشمعرفی شده‌اند. در مطالعات خارجی از نرخ بهره به عنوان ابزار سیاست پولی استفاده می‌شود؛ اما باتوجه به این مورد که نرخ بهره واقعی در کشور ایران از سوی نهادهای رسمی اعلام نمی‌شود، از این رو نرخ بهره پراکسی مناسبی برای توضیح سیاست

پولی نیست. همچنین، شاخص آزادی تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) است.

داده‌های امنیت اقتصادی بر اساس داده‌های محاسبه شده در مطالعه Ezzati et al, (2019) و به روز رسانی آن‌ها استفاده شده است. باتوجه به این مسئله که متغیر امنیت اقتصادی متغیری آشکار نیست و تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد، از این رو جهت برآورد کردن این متغیر با استفاده از سیستم استنتاج فازی ممدانی[۱۱] با پیروی از مطالعه Ezzati et al, (2019) یک شاخص جامع برای کشور ساخته شد. از سه متغیر رشد اقتصادی، سرمایه گذاری بخش خصوصی و امنیت غذایی برای برآورد کردن شاخص امنیت اقتصادی استفاده شده است.

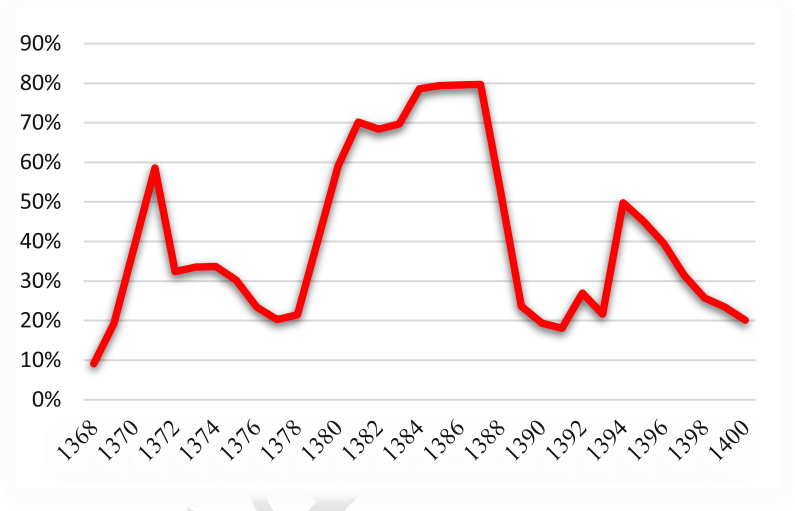
جدول (1). معرفی متغیرهای پژوهش
مأخذ: نتایج پژوهش
Table 1. Variables Definition
Source: Research results

نوع متغیر	نماد	متغیر	واحد	منبع
وابسته	ES	امنیت اقتصادی	۰ تا ۱۰۰	برآوردشده
مستقل	MP	حجم نقدینگی	درصدی از تولید ناخالص داخلی	Cbi.ir
	FP	مخارج دولت	درصدی از تولید ناخالص داخلی	Cbi.ir
	IND	صنعتی‌شدن	درصدی از تولید ناخالص داخلی	Cbi.ir
	URB	شهرنشینی	درصدی از کل جمعیت	Cbi.ir
	FT	آزادی تجاری	درصدی از تولید ناخالص داخلی	Cbi.ir
	UN	نرخ بیکاری	درصدی از کل نیروی کار	Cbi.ir

[۱۱] *جهت پرهیز از طولانی‌شدن مطالعه، از ارائه روش‌شناسی منطق فازی خودداری شده است. در صورت لزوم می‌توان مبانی نظری این روش را در اختیار متقاضیان قرارداد.*

۲-۴- بررسی روند متغیرهای پژوهش:

شکل ۵. روند شاخص امنیت اقتصادی در ایرانروند شاخص امنیت اقتصادی در ایران را طی سال‌های ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ نشان می‌دهد.



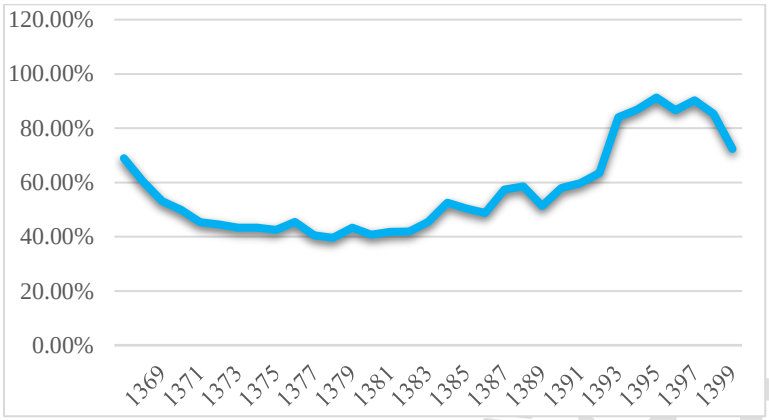
شکل ۵. روند شاخص امنیت اقتصادی در ایران
مأخذ: نتایج پژوهش
Figure 5. Trend of economic security index in Iran
Sourse: Research results

درآمدهای نفتی، درآمد سرانه، میزان سرمایه‌گذاری‌ها، رونق تولید، درجه بازبودن تجاری، رشد اقتصادی، تحریم‌ها، ثبات اقتصادی، متغیرهای کلان اقتصادی و سایر عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر امنیت اقتصادی کشور ایران تأثیرگذار هستند. باتوجه‌به شکل ۵. روند شاخص امنیت اقتصادی در ایران، از سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مصادف با دوران سازندگی پس از جنگ، مخارج دولت افزایش‌یافته است. این افزایش مخارج دولت که در جهت بازسازی زیرساخت‌های مهم جامعه بوده به نحوی به افزایش امنیت اقتصادی کشور طی سال‌های مذکور منجر شده است. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸ امنیت اقتصادی کاهش‌یافته است. زیرا تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات قیمت نفت، بحران‌های اقتصادی و سیاسی،

افزایش تورم، عدم ثبات در نظام بانکداری، سیاست‌های پولی و مالی متنوع در کنار سایر عوامل دیگر طی این دوره زمانی بر کاهش امنیت اقتصادی تأثیر بسزایی داشته است.

از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ امنیت اقتصادی در کشور افزایش چشمگیری داشته است. زیرا عوامل متعددی از جمله: رشد اقتصادی، افزایش آزادی تجاری، افزایش ارتباطات سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی، افزایش درآمدهای نفتی، افزایش تولیدات داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش درآمد سرانه افراد، ثبات نسبی در سطح اقتصادکلان، حفظ ارزش پولی، اتخاذ و اجرای مناسب سیاست‌های پولی و مالی مناسب و سایر عوامل دیگر بر امنیت اقتصادی تاثیرگذار بوده‌اند. از سال ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ نیز به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، افزایش تورم، افزایش بیکاری، نوسانات در رشد اقتصادی، نوسانات نرخ ارز و کااهش ارزش پول ملی، عدم هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی، افزایش کسری بودجه دولت، اعمال تحریم‌ها و سایر عوامل دیگر منجر به کاهش امنیت اقتصادی کشور شده است. طی سال-های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ سطح امنیت اقتصادی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. زیرا توافق برجام، لغو تحریم‌ها، ثبات نسبی و کوتاه مدت در سطح اقتصادکلان، کاهش تورم، افزایش درآمدهای نفتی و سایر عوامل دیگر بر افزایش سطح امنیت اقتصادی طی این دوره زمانی تاثیرگذار بوده‌اند.

شکل ٦. روند نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ایران روند حجم نقدینگی در ایران را طی سال‌های ١٣٦٨ تا ١٤٠٠ نشان می‌دهد.



شکل ۶. روند نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ایران
مأخذ: نتایج پژوهش

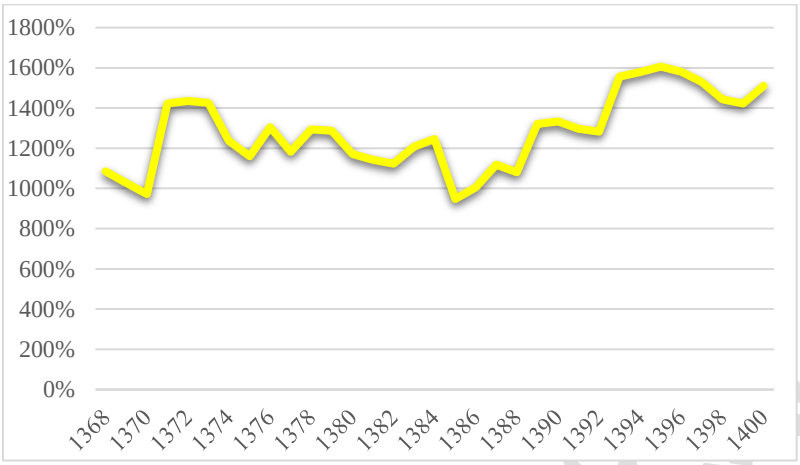
Figure 6. The trend of the ratio of liquidity volume to GDP in Iran
Sourse: Research results

رشد پایه پولی یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش حجم نقدینگی در ایران است. استقراض دولت از بانک مرکزی جهت تأمین کسری بودجه خود منجر به افزایش پایه پولی شده است. همچنین، خرید ارز توسط بانک مرکزی در بازار جهت حفظ ارزش پول ملی منجر به افزایش پایه پولی می‌شود. عوامل غیرپولی دیگری از جمله رشد اقتصادی، تورم و نابرابری اقتصادی می‌توانند بر افزایش حجم نقدینگی در ایران تأثیرگذار باشند. زیرا رشد اقتصادی منجر به افزایش تقاضا برای پول و تورم منجر به کاهش ارزش پول و افزایش تقاضا برای پول می‌شود. همچنین نابرابری اقتصادی تقاضا برای پول توسط قشر ثروتمند جامعه را افزایش می‌دهد.

بر اساس شکل ٦. روند نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ایرانروند حجم نقدینگی در ایران از سال ١٣٦٨ تا ١٣٨٤ از نوع کاهشی بوده است. زیرا سیاست پولی انقباضی توسط بانک مرکزی برای مهار تورم و حفظ ثبات اقتصادی اعمال شد. همچنین، اقداماتی از قبیل: افزایش نرخ سود سپرده بانکی، کنترل پایه پولی و محدودیت تسهیلات بانکی جهت کاهش حجم نقدینگی توسط بانک مرکزی انجام شد. از طرفی، ثبات نسبی قیمت‌ها به کاهش تقاضا برای پول و کندشدن رشد نقدینگی نیز کمک کرد. همچنین در طول دهه ۷۰ پدیده غالب، رشد بیشتر تولید اسمی نسبت به حجم نقدینگی بوده است. ازاین‌رو روندی نزولی در نسبت نقدینگی به تولید وجود دارد.

از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نیز روند حجم نقدینگی با نوسان همراه است. زیرا طی این سال‌ها ثبات نسبی در اقتصاد وجود داشته است.کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۸٦ و افزایش مجدد آن در سال ۱۳۸۹، بر درآمدهای ارزی کشور و سیاست‌های اقتصادی تاثیرگذار بود و منجر به کاهش پایه پولی و کند شدن رشد نقدینگی شد. همچنین دوره‌هایی از انبساط پولی برای تحریک رشد اقتصادی و دوره‌هایی از انقباض پولی برای کنترل تورم توسط بانک مرکزی اعمال شد. از طرفی، در طول دهه ۸۰، پدیده غالب رشد بیشتر حجم نقدینگی نسبت به تولید اسمی بوده و غالباً به شکل رشد بیشتر نقدینگی نسبت به تولید اسمی و تشدید آن تا نیمه اول دهه ۹۰ مشاهده می‌شود. همچنین، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ این روند با افزایش شدید همراه است. زیرا رشد بیشتر نقدینگی نسبت به تولید اسمی وجود دارد. رشد سریع نقدینگی، افزایش پایه پولی، رشد تسهیلات بانکی، افزایش سپرده‌های بانکی، رشد نقدینگی شبه‌پولی، رکود اقتصادی و کاهش تولیدناخالص داخلی طی این دوره زمانی نیز از سایر عوامل مهم و تاثیرگذار بر روند افزایشی حجم نقدینگی طی این دوره زمانی محسوب می‌شود. تحریم‌های اقتصادی، نوسانات قیمت نفت و افزایش نرخ تورم که منجر به افزایش تقاضا برای پول می‌شود، از دیگر عوامل تاثیرگذار بر رشد حجم نقدینگی است.

شکل ۷. روند نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایرانروند شاخص مخارج دولت در ایران را طی سال‌های ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ نشان می‌دهد.



شکل ۷. روند نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایران
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 7. The trend of the ratio of government consumption expenditure to GDP in Iran
Sourse: Research results

همان‌طور که از شکل ۷. روند نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی در ایران مشخص است، مخارج مصرفی دولت در ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ با شروع جنگ از نوع کاهشی بوده است. زیرا تمرکز دولت وقت طی این دوره زمانی صرفاً تأمین هزینه‌های جنگ و اقلام ضروری جامعه بوده است. ازاین‌رو هزینه‌ای جهت ساخت‌وساز، توسعه مالی و... نداشته و سیاست مالی در این دوره زمانی از نوع انقباضی است. همچنین طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ دولت وقت با اتخاذ سیاست مالی انبساطی، درصدد بازسازی خرابی‌های جنگ بوده است. از طرفی، با رشد جمعیت طی این دوره زمانی و ماقبل آن، دولت درصدد تأمین تقاضای ناشی از خدمات عمومی مانند آموزش، خدمات، بهداشت و درمان اجتماعی بوده است. از سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ مخارج مصرفی دولت گاهی افزایشی و گاهی کاهشی بوده است. زیرا بااین‌وجود که درآمدهای نفتی افزایش داشته و منجر به افزایش درآمدهای دولت شده است، اما سیاست‌های مالی غالباً از نوع انقباضی بوده و ساخت یا تقویت زیرساخت‌ها از جمله اهداف دولت‌های وقت نبوده است.

از سال ۱۳۸۷ به بعد سیاست‌های مالی بیشتر از نوع انبساطی بوده و منجر به افزایش روند مخارج مصرفی دولت شده است. زیرا افزایش درآمدهای نفتی، رونق اقتصادی باتوجه

به وجود برجام، افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت، وجود تحریم‌ها و تورم بالا جهت حمایت از مردم و جبران خسارات اقتصادی، تجربه جنگ اخیر جهت افزایش هزینه‌های نظامی و افزایش امنیت ملی منجر به افزایش مخارج دولت شده است. از طرفی، تقویت زیرساخت‌ها، پروژه‌های سدسازی، پل سازی، مسکن مهر، ساخت بزرگراه، افزایش کیفیت جاده‌های بین شهری، افزایش بودجه آموزشی و بهداشتی و... از جمله اهداف و برنامه‌های دولت‌های وقت طی دوره زمانی مذکور بوده که منجر به افزایش مخارج دولت شده است.

۵- نتایج پژوهش

۵-۱- آزمون‌های تشخیصی

ابتدا آزمون‌های تشخیصی شامل آزمون ریشه واحد Zivot & Andrews (2002) با درنظرگرفتن یک شکست ساختاری، آزمون تشخیص طول وقفه بهینه برای نشان‌دادن طول وقفه بهینه در مدل و آزمون ثبات مدل خودرگرسیون برداری به‌منظور بررسی پایدار مدل VAR انجام شد. برای نشان‌دادن طول وقفه بهینه در مدل، از معیارهای اطلاعات مانند آکائیک، حنان – کوین، شوارتز - بیزین و خطای پیش‌بینی نهایی استفاده می‌شود. باتوجه‌به مطالعه Glaister (1984) قبل از تجزیه‌وتحلیل توابع واکنش آنی در مدل‌های خودرگرسیون برداری بایستی شرایط ثبات مدل بررسی شود. جهت بررسی پایداری مدل VAR از آزمون ریشه واحد معکوس چندجمله‌ای استفاده می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهانتایج مربوط به آزمون ریشه واحد زیوت – اندریوز را با در نظر گرفتن یک شکست ساختاری نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها
مأخذ: نتایج پژوهش
Table 2. The results of Unit-root
Source: Research results

نماد	متغیر	سطح	تفاضل مرتبه اول	سال شکست	مانایی
ES	امنیت اقتصادی	-۳/۹۸ (۰/۰۰۸)	-	۱۳۷۹	I(0)
MP	سیاست پولی	-۳/۹۵ (۰/۰۰٤)	-	۱۳۹٤	I(0)

FP	سیاست مالی	-۳/۷۱ (۰/۰۱)	-	۱۳۹۳	I(0)
IND	صنعتی‌شدن	-۳/٤٥ (۰/۰۰۹)	-	۱۳۹۰	I(0)
URB	شهرنشینی	-۳/۸۲ (۰/۰۰٥)	-	۱۳۸٤	I(0)
FT	آزادی تجاری	-٤/۰۱ (۰/۰۱)	-	۱۳۸۰	I(0)
UN	نرخ بیکاری	-٤/٦٦ (۰/۰۳)	-	۱۳۷۸	I(0)

یادداشت: مقادیر داخل پرانتز () نشان‌دهنده سطح احتمال است.

باتوجه‌به جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها، همه‌ی متغیرهای پژوهش با درنظرگرفتن یک شکست ساختاری در سطح مانا هستند. در نتیجه امکان استفاده از مدل-های خودرگرسیون برداری در پژوهش حاضر وجود دارد. در ادامه و برای نشان‌دادن طول وقفه بهینه در مدل، از معیارهای اطلاعات مانند آکائیک، حنان – کوین، شوارتز - بیزین و خطای پیش‌بینی نهایی استفاده شده که در جدول ۳. طول وقفه بهینه مدلارائه شده است.

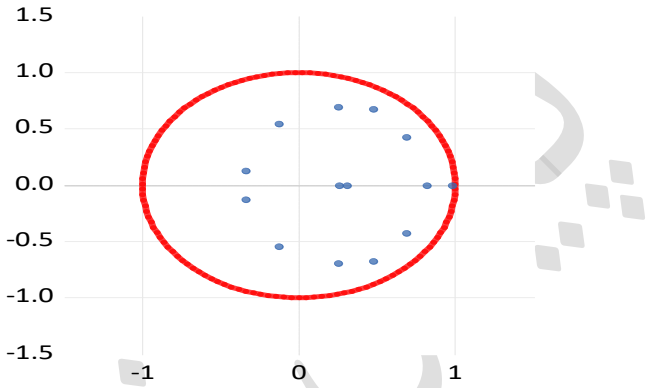
جدول ۳. طول وقفه بهینه مدل
مأخذ: نتایج پژوهش
Table 3. The optimal interval length of the model
Source: Research results

وقفه	آکائیک	حنان – کوین	شوارتز – بیزین	خطای پیش‌بینی نهایی
۰	۲۱/۳۲	۲۱/٤۲	۲۱/٦٤	٤/۲۸
۱	٥/۸٦	٦/۷۰	۸/٤٥*	-۷e ۹/۰٤
۲	٤/٦۸*	٦/۲٦*	۹/٥۳	-۷* e ٤/۷۲

یادداشت: * نشانگر طول وقفه بهینه است.

باتوجه‌به آماره معیارهای اطلاعات آکائیک، حنان – کوین، شوارتز - بیزین و خطای پیش‌بینی نهایی که در جدول ۳. طول وقفه بهینه مدل ارائه شده، طول وقفه بهینه مدل ۲ است. زیرا آماره‌های اطلاعاتی آکائیک، حنان – کوین و خطای پیش‌بینی نهایی آن را تأیید

می‌کنند. باتوجه‌به مطالعه Glaister (1984) قبل از تجزیه‌وتحلیل توابع واکنش آنی در مدل‌های خودرگرسیون برداری بایستی شرایط ثبات مدل بررسی شود. ازاین‌رو برای سنجش پایداری مدل VAR از آزمون ریشه واحد معکوس چندجمله‌ای که در شکل ۸. آزمون دایره ریشه‌های معکوس چندجمله‌ای ارائه شده استفاده می‌شود.



شکل ۸. آزمون دایره ریشه‌های معکوس چندجمله‌ای
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 8. Circle test of polynomial inverse roots
Sourse: Research results

باتوجه‌به شکل ۸. آزمون دایره ریشه‌های معکوس چندجمله‌ای، ریشه‌های خارج از دایره واحد وجود ندارد. درنهایت مدل خودرگرسیون برداری شرایط ثبات را برآورد می‌کند و مشکلی برای تفسیر نتایج مدل وجود ندارد.

۲-۵- نتایج تخمین مدل

ضرایب در مدل‌های خودرگرسیون برداری قابل‌تفسیر نیست؛ اما می‌توان با استفاده از علائم و سطح معناداری آن‌ها، تفسیری آماری ارائه کرد و سپس به نتایج توابع واکنش آنی و تجزیه واریانس پرداخت. در جدول ٤. نتایج مدل خودرگرسیون برداری ساختاری نتایج برآورد بلندمدت در مدل خودرگرسیون ساختاری ارائه شده که ردیف‌ها نشان‌دهنده متغیرهای وابسته و ستون‌ها نشان‌دهنده پاسخ هر متغیر به شوک‌ها است.

جدول ۴. نتایج مدل خودرگرسیون برداری ساختاری
مأخذ: نتایج پژوهش
Table 4. Results of structural vector autoregression model
Source: Research results

	MP	FP	IND	URB	FT	UN	ES
MP	۰/٤۳*	-	-	-	-	-	-
FP	٦/۱۸*	۱/۳۷*	-	-	-	-	-
IND	-۱۷/۵۱*	-۳/۹۷*	٤/۰٤*	-	-	-	-
URB	۰/۸۷*	۰/۱۸	۱/۲٤*	۰/۵۲*	-	-	-
FT	-۸/۰٤*	-۵/٤٤*	٦/۷۵*	۱/۲۷*	۲/۲۳*	-	-
UN	-۱/۹٤*	-۰/۳۸*	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۰۸*	۰/٦۸*	-
ES	-۰/٤۹*	-۰/۳۱*	۰/۲۰*	۰/۰۵*	۰/۰۵*	۰/۰۲**	**۰/۰۷***

یادداشت: * و ** به ترتیب بیانگر سطح احتمال ۱٪ و ۵٪ است.

باتوجه‌به جدول ٤. نتایج مدل خودرگرسیون برداری ساختاری، ابزار سیاست مالی (FP) تاثیر منفی و معنی‌دار بر شاخص امنیت اقتصادی دارد و به کاهش آن منجر شده است. باتوجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و نوسانات قیمت نفت طی سالیان اخیر، درآمدهای دولت و سیاست‌های مالی نیز تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. از طرفی، ساختار اقتصاد ایران طی سالیان اخیر از نوع دولتی بوده که درنهایت سیاست‌های مالی را با محدودیت مواجه کرده است. همچنین، وجود تحریم‌های اقتصادی منجر به محدودیت دسترسی به منابع بین المللی و درنتیجه محدودیت اجرای سیاست‌های مالی شده است.

سیاست مالی انبساطی (افزایش مخارج دولت): در بلندمدت منجر به افزایش کسری بودجه، به‌تبع افزایش فشارهای تورمی، کاهش ارزش پول ملی و درنهایت افزایش بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی از سوی دولت‌های وقت طی سال‌های مورد بررسی، جهت ساخت پروژه‌های عظیم سدسازی، راه‌سازی، پل‌سازی، مسکن مهر و... منجر به افزایش هزینه‌ها، توسعه مالی، افزایش اندازه دولت و رشد بدهی‌ها شده است. با افزایش مخارج دولت، میزان بدهی دولت افزایش می‌یابد که می‌تواند منجر به ناپایداری مالی و افزایش ریسک‌های اقتصادی شود. همچنین، مخارج بالای دولت ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و افزایش وابستگی به درآمدهای نفتی شود که در مواجهه با نوسانات قیمت نفت می‌تواند امنیت اقتصادی را تهدید کند. همچنین،

افزایش مخارج دولت به معنای اختصاص منابع مالی بیشتر به دولت و کاهش سهم بخش خصوصی از این منابع می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی جامعه نیز به خطر خواهد افتاد.

سیاست مالی انقباضی: سیاست بازتوزیع مجدد درآمدها (پرداخت یارانه به مردم)، افزایش مالیات طی سالیان اخیر و اتخاذ رویکرد خصوصی‌سازی طی برخی از سال‌ها از جمله سیاست‌های مالی انقباضی هستند که می‌توانند منجر به کاهش کسری بودجه، افزایش سرمایه سرمایه‌گذاری‌ها و درنهایت افزایش رشد اقتصادی شوند که درنهایت امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهند. اما در کشور ایران به دلیل فشارهای تورمی، کسری بودجه دولت، فشار شدید تحریم‌های اقتصادی و بین‌المللی سیاست مالی انقباضی طی سالیان اخیر به‌درستی عمل‌نکرده و محدود بوده است. ازاین‌رو امنیت اقتصادی نیز به دلایل متعددی که اشاره شد و همچنین ساختار خاص اقتصاد ایران، کاهش‌یافته است.

ابزار سیاست پولی (MP) تأثیر منفی و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد و منجر به کاهش آن شده است. افزایش حجم نقدینگی یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر بی‌ثباتی اقتصاد کلان و کاهش امنیت اقتصادی محسوب می‌شود.

سیاست پولی انبساطی: افزایش حجم نقدینگی طی سالیان اخیر به چالش جدی برای اقتصاد کشور ایران تبدیل شده است. کاهش درآمدهای نفتی، افزایش کسری بودجه دولت، افزایش اعطای تسهیلات بانکی بدون پشتوانه مناسب، تحریم‌های اقتصادی منجر به افزایش چاپ پول و تزریق نقدینگی به اقتصاد شده که به‌تبع حجم نقدینگی افزایش‌یافته است. از طرفی، افزایش حجم نقدینگی بدون افزایش تولید منجر به افزایش تقاضای کل و به‌تبع افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود که به نوبه خود فشارهای تورمی نیز افزایش خواهد یافت. ازاین‌رو قدرت خرید مردم نیز کاهش‌یافته و به بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شود. کاهش ارزش پول ملی و نوسانات نرخ ارز نیز از دیگر چالش‌های بزرگ اقتصادی است که از افزایش حجم نقدینگی ناشی می‌شود؛ بنابراین، سیاست پولی انبساطی (افزایش حجم نقدینگی) منجر به کاهش امنیت اقتصادی کشور شده است.

سیاست پولی انقباضی: یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست پولی انقباضی، کاهش تورم است. با کاهش حجم پول در دسترس، تقاضا برای کالاها و خدمات کاهش‌یافته و در نتیجه فشار کمتری بر قیمت‌ها وارد می‌شود. ازاین‌رو امنیت اقتصادی جامعه می‌تواند افزایش یابد. اما در کشور ایران، به دلیل وابستگی اقتصاد به عوامل خارجی مانند نوسانات قیمت نفت و

تحریم‌های اقتصادی، کاهش تورم همیشه با موفقیت همراه نبوده است. ازاین‌رو به دلیل ساختار اقتصادی خاص کشور ایران، تحریم‌های اقتصادی و وابستگی به درآمدهای نفتی درواقع رشد اقتصادی در نتیجه اتخاذ سیاست پولی انقباضی کاهش‌یافته است؛ بنابراین، برخلاف مطالعات نظری سیاست پولی انقباضی بر اساس مواردی که اشاره شد به کاهش امنیت اقتصادی منجر شده است.

صنعتی‌شدن (IND) نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد و منجر به افزایش آن می‌شود. زیرا افزایش تولیدات صنعتی و گسترش فرایند صنعتی‌شدن در کشور منجر به توان رقابت تولیدی، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، بهبود بهره‌وری و نوآوری و افزایش درآمد مردم می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی در جامعه افزایش خواهد یافت.

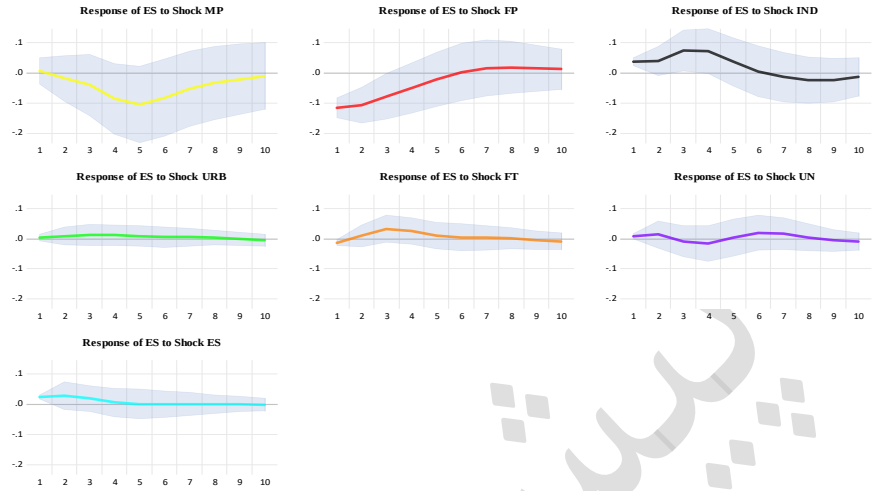
شهرنشینی (URB) تأثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد و به افزایش آن منجر می‌شود. زیرا شهرها به دلیل وجود زیرساخت‌های مناسب، نیروی کار ماهر و بازارهای مصرف بزرگ، محل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی هستند. این امر به افزایش تراکنش‌های اقتصادی، تبادلات تجاری و رونق کسب‌وکارها می‌انجامد که در نهایت به رشد و پویایی اقتصاد کشور کمک می‌کند. همچنین، در شهرها به دلیل وجود تمرکز اقتصادی، دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی و زیرساخت‌های مناسب، بهره‌وری نیروی کار به طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. این امر به کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کیفیت محصولات و خدمات و رقابت‌پذیری بیشتر در بازارهای داخلی و خارجی منجر می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی افزایش خواهد یافت. به‌علاوه، شهرها به دلیل تراکنش‌های اقتصادی بالا و حضور فعال بخش خصوصی، محل استقرار و توسعه بازارهای مالی؛ مانند بانک‌ها، بورس اوراق بهادار و مؤسسات اعتباری هستند. این امر منجر به تسهیل سرمایه‌گذاری، تأمین مالی کسب‌وکارها و رشد اقتصادی می‌شود که درنهایت امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد.

آزادی تجاری (FT) تأثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد و به افزایش آن منجر شده است. زیرا آزادی تجاری با افزایش اشتغال، رونق تولید، افزایش توان رقابت‌پذیری و بهبود کیفیت کالا و خدمات منجر به رشد اقتصادی شده که به افزایش امنیت اقتصادی منتهی می‌شود. بهبود تکنولوژی، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها از دیگر پیامدهای مثبت آزادی تجاری است و دسترسی به محصولات غذایی خارجی و ارزان‌قیمت را برای مردم فراهم کرده و سطح امنیت غذایی را بالا می‌برد تا به افزایش امنیت اقتصادی منتهی گردد. با افزایش توان رقابت‌پذیری کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری‌ها در بخش خصوصی بالا رفته و منجر به

افزایش صادرات و درنهایت رشد اقتصادی می‌شود که درنهایت به افزایش امنیت اقتصادی منجر می‌شود.

نرخ بیکاری (UN) نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارد و به افزایش آن منجر شده است. بر اساس منطق اقتصادی بایستی افزایش نرخ بیکاری به کاهش امنیت اقتصادی منجر شود. اما ازآنجایی‌که در شرایطی که نرخ بیکاری بالا است، رقابت برای دستیابی به شغل افزایش می‌یابد و این موضوع می‌تواند منجر به کاهش دستمزدها شود. کاهش دستمزدها نیز می‌تواند هزینه تولید کسب‌وکارها را کاهش دهد و قدرت رقابت آن‌ها را در بازارهای داخلی و خارجی افزایش دهد. همچنین، کاهش دستمزدها می‌تواند به کاهش تورم کمک کنند. تورم یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی ایران است و کاهش آن می‌تواند به افزایش امنیت اقتصادی کشور منجر شود. اما بایستی به این مسئله توجه کرد که بیکاری به‌طورکلی پدیده‌ای منفی است و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی زیادی برای کشور به همراه دارد. درنهایت تأثیرات مثبت بیکاری بر امنیت اقتصادی بسیار محدود و کوتاه‌مدت است و در بلندمدت، بیکاری می‌تواند منجر به رکود اقتصادی، افزایش فقر و ناآرامی‌های اجتماعی شود. همچنین باتوجه‌به نتایج تجزیه واریانس که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، شوک‌های متغیر نرخ بیکاری تغییرات بسیار کمی از شاخص امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد.

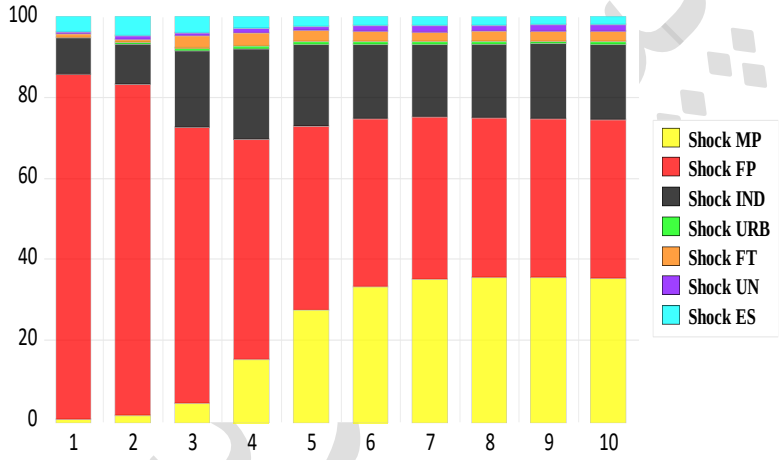
امنیت اقتصادی دوره‌های قبل نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شاخص امنیت اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته دارد. در ادامه توابع واکنش آنی و تجزیه واریانس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تحلیل واکنش آنی نشان می‌دهد که اثر یک تکانه مثبت از یک متغیر تا چه اندازه در متغیر دیگر تأثیرگذار است.



شکل ۹. توابع واکنش آنی
مأخذ: نتایج پژوهش
Figure 9. Instantaneous response functions
Sourse: Research results

شکل ۹. توابع واکنش آنی، واکنش آنی شاخص امنیت اقتصادی نسبت به تکانه‌های متغیرها طی ۱۰ دوره و در سطح احتمال ۹۵ درصد را نشان می‌دهد. براساس شکل ۹. توابع واکنش آنی، سیاست پولی (خط زرد) در دوره اول تا دوره پنجم تاثیر منفی و کاهشی و از دوره ششم تا انتهای دوره دهم تاثیر منفی و افزایشی بر امنیت اقتصادی دارد. سیاست مالی (خط قرمز) از دوره اول تا دوره ششم تاثیر منفی و افزایشی و از دوره هفتم به بعد تاثیر مثبت و نسبتا افزایشی بر شاخص امنیت اقتصادی دارد. صنعتی شدن (خط مشکی) از دوره اول تا چهارم تاثیر مثبت و افزایشی و از دوره چهارم تا دوره ششم تاثیر مثبت و کاهشی و از دوره ششم به بعد تاثیر منفی و کاهشی بر امنیت اقتصادی دارد. شهرنشینی (خط سبز) در دوره اول تا دوره پنجم تاثیر مثبت و از دوره پنجم به بعد تاثیر آن بر امنیت اقتصادی تقریبا صفر می‌شود. آزادی تجاری (خط نارنجی) در دوره اول و دوم تاثیر منفی و افزایشی و از دوره دوم تا چهارم تاثیر مثبت و افزایشی و از دوره پنجم تا انتهای دوره دهم تاثیر آن بر امنیت اقتصادی تقریبا به صفر میل می‌کند.

نرخ بیکاری (خط بنفش) در دوره اول و دوم تأثیر مثبت، از دوره دوم تا پنجم تأثیر منفی، از دوره پنجم تا هشتم تأثیر مثبت و از دوره هشتم به بعد تا انتهای دوره دهم تأثیر منفی بر امنیت اقتصادی دارد. خود متغیر وابسته (خط آبی روشن) در دوره اول تا پنجم تکثیر و نسبتاً کاهشی و از دوره پنجم به بعد تا انتهای دوره دهم این تأثیر بر امنیت اقتصادی تقریباً به صفر میل می‌کند. نتایج حاصل از توابع واکنش آنی تأییدکننده ضرایب بلندمدت در **جدول ۵.** جدول تجزیه واریانس است. در ادامه نتایج تابع تجزیه واریانس ارائه شده است.



شکل ۱۰. تابع تجزیه واریانس
مأخذ: نتایج پژوهش
Figure 10. Variance decomposition function
Sourse: Research results

جدول ۵. جدول تجزیه واریانس
مأخذ: نتایج پژوهش
Table 5. Variance analysis table
Source: Research results

دوره	S.E.	شوک ES	شوک UN	شوک FT	شوک URB	شوک IND	شوک FP	شوک MP

۱	۰/۰۳	۳/۷۵	۰/٤۰	۱/۰۵	۰/۰۸	۹/۰۰	۸۵/٤۳	۰/۲٦
۲	۰/۰۷	٤/۷۲	۰/۸٤	۰/۸۳	۰/۳۲	۹/۹۷	۸۲/۱۰	۱/۱۹
۳	۰/۱۰	۳/۹۷	۰/۷۵	۲/۹۸	۰/٦۰	۱۸/۹٦	٦۸/٤۳	٤/۲۸
٤	۰/۱۱	۲/۹۸	۱/۰۱	۳/۲۵	۰/٦۷	۲۲/۵٤	۵٤/۳٤	۱۵/۱۸
۵	۰/۱۱	۲/٤٦	۰/۸۵	۲/۸۱	۰/٦٤	۲۰/۳۹	٤۵/٤۸	۲۷/۳۲
٦	۰/۱۱	۲/۲٤	۱/۲۵	۲/۵۹	۰/٦۲	۱۸/٦۲	٤۱/٤۸	۳۳/۱۷
۷	۰/۱۲	۲/۱۵	۱/۵٤	۲/٤۹	۰/٦۲	۱۸/۰۸	٤۰/۰۸	۳۵/۰۰
۸	۰/۱۲	۲/۱۰	۱/۵۳	۲/٤۳	۰/٦۳	۱۸/۳۱	۳۹/۵۲	۳۵/٤۵
۹	۰/۱۲	۲/۰۷	۱/۵٤	۲/٤۲	۰/٦۲	۱۸/٦۷	۳۹/۲۳	۳۵/٤۲
۱۰	۰/۱۲	۲/۰۵	۱/٦۲	۲/٤۹	۰/٦٤	۱۸/۷۵	۳۹/۱٤	۳۵/۲۷

تجزیه‌وتحلیل واکنش تجزیه واریانس نشان می‌دهد که میزان اطلاعاتی که شوک-های هر متغیر مستقل به شاخص امنیت اقتصادی در مدل خودرگرسیون اضافه می‌کند، چه مقدار است. به‌نحوی‌که چقدر از واریانس خطای پیش‌بینی امنیت اقتصادی توسط شوک‌های سیاست پولی، سیاست مالی، صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آزادی تجاری و نرخ بیکاری توضیح داده می‌شود. تجزیه‌وتحلیل واریانس مدل خودرگرسیون برداری بر اساس سهم متغیرها در خطای پیش‌بینی استوار است. طبق **شکل ۱۰.** تابع تجزیه واریانس، شوک-های سیاست پولی (رنگ زرد) در دوره اول حدود ۰/۲٦ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را توضیح داده و با یک افزایش شدید در دوره دهم با ۳۵/۲۷ درصد ثابت می‌شود. شوک‌های سیاست مالی (رنگ قرمز) در دوره اول حدود ۸۵/٤۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده و با یک کاهش شدید در دوره دهم با ۳۹/۱٤ درصد ثابت می‌شود.

شوک‌های صنعتی‌شدن (رنگ مشکی) در دوره اول ۹ درصد و در دوره دهم ۱۸/۷۵ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد. شوک‌های شهرنشینی (رنگ سبز) در دوره اول ۰/۰۸ درصد و در دوره دهم نیز فقط ۰/٦٤ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. شوک‌های آزادی تجاری (رنگ نارنجی) در دوره اول ۱/۰۵ درصد و در دوره دهم ۲/٤۵ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد. شوک‌های نرخ بیکاری (رنگ بنفش) در دوره اول ۰/٤۰ درصد و در دوره دهم نیز حدود ۱/٦۲ درصد از تغییرات شاخص امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد. شوک‌های شاخص امنیت اقتصادی نیز در دوره اول ۳/۷۵ درصد و در دوره دهم نیز ۲/۰۵ درصد از تغییرات امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد.

۶- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

طی چند دهه اخیر، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار به یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای درحال‌توسعه مبدل شده است. ازآنجایی‌که رسیدن به این مهم با تثبیت ثبات اقتصاد کلان از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب حاصل می‌شود، ازاین‌رو دولت-های هر کشوری مستلزم تأمین امنیت اقتصادی هستند. در این راستا، ارتباط متقابل و هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی جهت برقراری امنیت اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. براین‌اساس مطالعه حاضر به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر امنیت اقتصادی در کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳٦۸ تا ۱٤۰۰ و با استفاده از روش خودرگرسیون برداری ساختاری پرداخته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی و مالی تأثیر منفی و معنی‌دار بر امنیت اقتصادی دارند. اتخاذ رویکرد سیاست‌های پولی و مالی انبساطی از سوی دولت‌های وقت طی سال‌های مورد پژوهش، منجر به افزایش مخارج دولت، به‌تبع کسری بودجه، استقراض از بانک مرکزی، افزایش حجم نقدینگی و درنهایت افزایش تورم شده است. ازاین‌رو امنیت اقتصادی در کشور نیز کاهش‌یافته است. از سوی دیگر، افزایش سهم دولت در اقتصاد به کاهش حضور فعال بخش خصوصی در بخش‌های مهم و کلیدی اقتصاد و درنهایت کاهش امنیت اقتصادی منجر شده است. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش تکانه‌های سیاست‌های پولی و مالی در بلندمدت منجر به کاهش امنیت اقتصادی در ایران شده است. نتایج تجزیه واریانس در دوره دهم نشان می‌دهد که به ترتیب ۳۵/۲۷ و ۳۹/۱٤ درصد از تغییرات شاخص امنیت اقتصادی توسط سیاست‌های پولی و مالی توضیح داده می‌شود. در ادامه باتوجه‌به نتایج حاصل از پژوهش، توصیه‌های سیاستی پیشنهاد می‌شود.

- ✓ باتوجه‌به نتایج پژوهش که نشان می‌دهد سیاست مالی منجر به کاهش امنیت اقتصادی می‌شود، به سیاست‌گذاران اقتصادی توصیه می‌شود که بادقت لازم سیاست‌های مالی را اتخاذ کنند تا به کسری بودجه دولت منجر نشود. در این راستا، دولت نیز جهت جبران کسری بودجه میزان استقراض از بانک مرکزی را افزایش می‌دهد و به‌تبع سهم بخش خصوصی در اقتصاد کاهش خواهد یافت. زیرا کسری بودجه یکی از دلایل اصلی کاهش امنیت اقتصادی در جامعه محسوب می‌شود.
- ✓ همچنین به سیاست‌گذاران اقتصادی توصیه می‌شود که سیاست‌های پولی را اغلب در جهت تأمین منابع مالی و تسهیلات مناسب برای بخش خصوصی و فعالیت‌های

مولد اقتصادی اتخاذ کنند تا علاوه بر جلوگیری از ورود نقدینگی به بازارهای غیرمولد و سفته‌بازی، به افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد و درنهایت افزایش امنیت اقتصادی منجر شود.

- ✓ باتوجه‌به نتایج پژوهش که حاکی از تأثیر مثبت صنعتی‌شدن بر امنیت اقتصادی دارد و به افزایش آن منجر می‌شود، ازاین‌رو می‌توان به سیاست‌گذاران اقتصادی پیشنهاد داد که با گسترش صنعت در جامعه می‌توان به افزایش درآمد افراد، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و درنهایت افزایش سطح امنیت اقتصادی جامعه کمک کرد.
- ✓ بر اساس نتایج پژوهش که حاکی از تأثیر مثبت شهرنشینی و آزادی تجاری بر امنیت اقتصادی دارد و منجر به افزایش آن می‌شود، به سیاست‌گذاران در این زمینه توصیه می‌شود که با اتخاذ و اجرای سیاست‌های تجاری مانند کاهش محدودیت‌های تعرفه‌ای و افزایش درجه بازبودن تجاری به افزایش امنیت اقتصادی جامعه کمک کنند. همچنین، توسعه زیرساخت‌ها، بهبود امکانات شهری و رفاهی برای مردم ساکن شهرها یکی دیگر از راهکارهای مناسبی است که امنیت اقتصادی جامعه را افزایش می‌دهد.
- ✓ نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت بر امنیت اقتصادی دارد و منجر به افزایش آن می‌شود، اما در بلندمدت نرخ بیکاری بالا می‌تواند منجر به کاهش امنیت اقتصادی شود. ازاین‌رو به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود که با اشتغال‌زایی و افزایش امنیت شغلی افراد، علاوه بر تسهیل فرایند رشد اقتصادی به افزایش امنیت اقتصادی جامعه نیز کمک کنند.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.
Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.
Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

Andabai, P. W. (2023). FISCAL POLICY AND THE PERFORMANCE OF PRIVATE SECTOR IN NIGERIA. *BW Academic Journal*, 9-9.

Ashrafganjoee, R. , Akbari Fard, H. , Jalaee Esfandabadi, S. A. M. and Mashinchi, M. (2024). Estimating the Impact of Uncertainty of Macroeconomic and Foreign Trade Variables on Income Distribution among Income Deciles. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, *21*(2), 75-125. doi: 10.22055/jqe.2021.36781.2350. (In Persian).

Azami, A. , noferesti, M. and arabmazar, A. (2024). Investigating the Asymmetric Effects of Factors Affecting Tax Revenues in Iran using Quantile Regression Approach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, *21*(3), 115-144. doi: 10.22055/jqe.2022.39481.2451. (In Persian).

Belyaev, I. I., Larionov, A. V., & Sil'vestrov, S. N. (2021). Assessment of the state of economic security in Russia using the example of the unemployment rate indicator: fractal analysis method. *Studies on Russian Economic Development*, *32*(2), 141-146.

Bernanke, B. S. (1986). Alternative explanations of the money-income correlation.

Blanchard, O. J., & Quah, D. (1988). The dynamic effects of aggregate demand and supply disturbances.

Blanchard, O. J., & Watson, M. W. (1984). *Are business cycles all alike?* (No. 1392). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.

Cantore, C., & Freund, L. B. (2021). Workers, capitalists, and the government: fiscal policy and income (re) distribution. *Journal of monetary economics*, *119*, 58-74.

Chatziantoniou, I., Duffy, D., & Filis, G. (2013). Stock market response to monetary and fiscal policy shocks: Multi-country evidence. *Economic modelling*, *30*, 754-769.

Chen, H., Liao, H., Tang, B. J., & Wei, Y. M. (2016). Impacts of OPEC's political risk on the international crude oil prices: An empirical analysis based on the SVAR models. *Energy Economics*, *57*, 42-49.

Chugunov, I., Pasichnyi, M., Koroviy, V., Kaneva, T., & Nikitishin, A. (2021). Fiscal and monetary policy of economic development. *European Journal of Sustainable Development*, *10*(1), 42-42.

Clarida, R., & Gali, J. (1994, December). Sources of real exchange-rate fluctuations: How important are nominal shocks?. In *Carnegie-Rochester conference series on public policy* (Vol. 41, pp. 1-56). North-Holland.

Dao, M., Dizioli, A., Jackson, C., Gourinchas, P. O., & Leigh, M. D. (2023). *Unconventional fiscal policy in times of high inflation*. International Monetary Fund.

DiGiuseppe, M., & Kleinberg, K. B. (2019). Economics, security, and individual-level preferences for trade agreements. *International Interactions*, *45*(2), 289-315.

Dornbusch, R. (1979). Monetary policy under exchange rate flexibility.

Ezzati M, Mozaffari Z, alilou K. The Effect of Age Structure of the Population on Iran's Economic Security. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*. QJER 2019; 19 (2):125-159 (In Persian).

Freitas, F., & Christianes, R. (2020). A baseline supermultiplier model for the analysis of fiscal policy and government debt. *Review of Keynesian Economics*, *8*(3), 313-338.

Freitas, F., & Christianes, R. (2020). A baseline supermultiplier model for the analysis of fiscal policy and government debt. *Review of Keynesian Economics*, *8*(3), 313-338.

Friedman, M. (1989). Quantity theory of money. In *Money* (pp. 1-40). London: Palgrave Macmillan UK.

George, E., Obi Joseph, O., & Buyide, A. A. GOVERNMENT EXPENDITURE AND SECURITY REQUIREMENT FOR ACHIEVING SUSTAINABLE ECONOMIC GROWTH AND DEVELOPMENT. *Journal homepage: www. ijrpr. com ISSN*, *2582*, 7421.

GILBERT, A. (2000). Urbanization and security. *Urbanization, Population, Environment, and Security*.

Glaister, S. (1978). Mathematical methods for economists. *(No Title)*.

Gryshova, I., Kyzym, M., Hubarieva, I., Khaustova, V., Livinskyi, A., & Koroshenko, M. (2020). Assessment of the EU and Ukraine economic security and its influence on their sustainable economic development. *Sustainability*, *12*(18), 7692.

Gürkaynak, R. S., Kara, A. H., Kısacıkoğlu, B., & Lee, S. S. (2021). Monetary policy surprises and exchange rate behavior. *Journal of International Economics*, *130*, 103443.

Haberler, G. (1967). Monetary and Fiscal Policy for Economic Stability and Growth. *Il Politico*, 32-48.

https://www.cbi.ir/

https://www.imf.org/en/Home

https://www.worldbank.org/en/home

Idris, M. (2019). Monetary policy and economic growth in developing countries: Evaluating the policy nexus in Nigeria. *Journal of Business and Economics Research*, *8*(5), 290-300.

Istiqomah, N., & Mafruhah, I. (2022). The effect of budget deficit in Indonesia: A comparative study. *Economics Development Analysis Journal*, *11*(1), 110-119.

Ivanovna, B. R. (2017). The economic impact of the new industrialization on the financial security of an industrial enterprise. *Austrian Journal of Humanities and Social Sciences*, (1-2), 116-121.

Jung, A. (2024). The quantity theory of money, 1870-2020.

Kazakova, N. A., Bolvachev, A. I., Gendon, A. L., & Golubeva, G. F. (2016). Monitoring economic security in the region based on indicators of sustainable development. *Studies on Russian Economic Development*, *27*, 638-648.

Khan, M. M., & Akbar, M. I. (2013). The impact of political risk on foreign direct investment.

Leeper, E. M., Leith, C., & Liu, D. (2021). Optimal time-consistent monetary, fiscal and debt maturity policy. *Journal of Monetary Economics*, *117*, 600-617.

Leeper, E. M., Sims, C. A., Zha, T., Hall, R. E., & Bernanke, B. S. (1996). What does monetary policy do?. *Brookings papers on economic activity*, *1996*(2), 1-78.

Lorentzen, T., Angelin, A., Dahl, E., Kauppinen, T., Moisio, P., & Salonen, T. (2014). Unemployment and economic security for young adults in F inland, N orway and S weden: From unemployment protection to poverty relief. *International Journal of Social Welfare*, *23*(1), 41-51.

Lucas, R. E., & Rapping, L. A. (1969). Price expectations and the Phillips curve. *The American Economic Review*, *59*(3), 342-350.

McLeay, M., & Tenreyro, S. (2020). Optimal inflation and the identification of the Phillips curve. *NBER Macroeconomics Annual*, *34*(1), 199-255.

Min, F., Wen, F., & Wang, X. (2022). Measuring the effects of monetary and fiscal policy shocks on domestic investment in China. *International Review of Economics & Finance*, *77*, 395-412.

Mosavi Zonoz, M. (2014). The Relationship Between National Security and International Trade A Case Study of Economic Security of I.R Iran in the Context of International Trade. *Strategic Studies of public policy*, 5(14), 109-142. (In Persian).

Mostenska, T. L., Mostenska, T. G., Yurii, E., Lakner, Z., & Vasa, L. (2022). Economic affordability of food as a component of the economic security of Ukraine. *Plos one*, *17*(3), e0263358.

Petrova, E., & Filipov, S. (2018, June). Employment and unemployment as predictors of economic security on the example of the republic of Bulgaria. In *International conference knowledge-based organization* (Vol. 24, No. 2, pp. 70-75).

Rasuli, K., & Farzinvash, A. (2015). Explain the relationship between economic freedom and security of Capital Formation: Evidence from emerging and developing countries.. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 4(14), 245-263. (In Persian).

Rickards, J. G. (2009). Economic security and national security: interaction and synthesis. *Strategic Studies Quarterly*, *3*(3), 8-49.

Ronis, S. R. (2011). *Economic Security Neglected Dimension of National Security?*. Smashbooks.

Sadeghi Amrabadi, B. (2020). Analyzing the Causal Relationship between Economic Stability and Economic Security in Iran. *Economic Security Studies Quarterly Journal*, 1(1), 119-148. (In Persian).

Sadeghi Soghdel, H., Gallavani, A., & khoshkhoo, A. (2015). Estimating the Economic Security Index by Fuzzy Logic Model: A Case Study of Iran. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 1(2), 153-170. (In Persian).

Salmani Bishak, M R, Shahvirdi Dolatabad, A, Bastan, F. (2013). Investigating financial income and economic security in Iran (mutual causality approach in time series data). *Financial and Economic Policy Quarterly*, 2(7), 73-90. (In Persian).

Saqib, N., & Aggarwal, P. (2017). Impact of fiscal and monetary policy on economic growth in an emerging economy. *International Journal of Applied Business and Economic Research*, *15*(4), 457-462.

Sayadzadeh, A., Farjamnia, E., Hajarian, A., & Taheri, B. (2013). The effect of budget deficit on economic security of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 16(60), 91-124. (In Persian).

Shahrazi, M., Ghaderi, S., & Sanginabadi, B. (2023). Commodity prices and inflation: an application of structural VAR. *Applied Economics*, *55*(27), 3110-3120.

Snowdon, B., & Vane, H. R. (2005). *Modern macroeconomics: its origins, development and current state*. Edward Elgar Publishing.

Sohn, Y. (2019). South Korea under the United States–China rivalry: dynamics of the economic-security nexus in trade policymaking. *The Pacific Review*, *32*(6), 1019-1040.

UZOIGWE, C. F. (2024). Sustaining Economic Growth and Security Through Rural Industrialization. *Nnamdi Azikiwe Journal of Political Science*, *9*(1), 109-121.

Wang, Y., Wang, X., Zhang, Z., Cui, Z., & Zhang, Y. (2023). Role of fiscal and monetary policies for economic recovery in China. *Economic Analysis and Policy*, *77*, 51-63.

Younsi, M., & Nafla, A. (2019). Financial stability, monetary policy, and economic growth: Panel data evidence from developed and developing countries. *Journal of the Knowledge Economy*, *10*, 238-260.

Zivot, E., & Andrews, D. W. K. (2002). Further evidence on the great crash, the oil-price shock, and the unit-root hypothesis. *Journal of business & economic statistics*, *20*(1), 25-44.